

سرمقاله

افزایش هشدارها نسبت به اوضاع امنیتی

محمد رضا هویدا

بهران امنیت به مرز هشدار دهنده ای در افغانستان رسیده است. بحث از ناامنی ها در چند ولایت جنوبی و شرقی گذشته است. بحث اکنون سقوط ولایات به دست طالبان است. این بحث برای افغانستانی که تحت حمایت کشورهای عضو ناتو است و هنوز هم یکی از متحدان نزدیک ناتو به شمار می رود و نیروهای نظامی آن با جدیت و تلاش هر چه بیشتر برای دفاع از کشور می جنگند، حرف سختی است.

هشدار نسبت به سقوط ولایات و یا ولسوالی های کشور غیر قابل قبول است.

بحث های گوناگونی در میان مردم و حتا در میان نمایندگان مردم در ولسی جرگه جریان دارد. اوضاع امنیت کشور جدی ترین موضوع در افغانستان است. مردم به راحتی نمی توانند قبول کنند که با وجود دولت و نیروهای امنیتی قوی در کشور صحبت از سقوط ولسوالی ها و ولایات به دست طالبان شود.

استدلال یک از نمایندگان پارلمان را در جلسه دپروزی اگر به درستی ببینیم شماری از مسایل تا حدودی آشکار می شود. رئیس ولسی جرگه گفته است: «بحث های متواتر در مورد امنیت صورت گرفته است.

هیچ روزی نیست که ما رییس جمهور و رییس اجرایی را خطاب قرار نداده باشیم، بار دیگر و برهان حکومت را خطاب قرار می دهیم که به زودترین فرصت، نامزد وزارت دفاع ملی را به معرفی بگیرد.» او گفت که نیروهای امنیتی در بخش جنگ و دفاع از وطن، هیچ مشکلی نداشته و نخواهند داشت؛ اما در برخی موارد ضعف مدیریتی باعث گسترش نا امنی ها شده است.

این استدلال از جانبی دیگر هم اگر سنجیده شود، می توان مسئله را روشن تر دید.

اولا نیروهای امنیتی افغانستان در قالب یک دولت و پشتیبانی مردم و جامعه جهانی به جنگ علیه طالبان ادامه می دهند. ثانيا این نیروها با توان بسیار بالای نظامی و تجهیزات و استخباراتی قرار دارند و البته یک مسئله را نیز باید تذکر داد، که تعداد واقعی نیروهای طالبان چقدر است.

طالبان هر اندازه قوی باشند، نه از نظر تعداد، نه از نظر حمایت مالی و معنوی، نه از نظر تجهیزات، و... به نیروهای امنیتی افغانستان نمی رسند. بنا بر این طرح مسئله ساقط شدن ولسوالی و مناطق به عنوان یک هشدار برای مردم افغانستان به هیچ صورت عاقلانه و درست نیست. سوال اساسی را باید متوجه دلایل افزایش ناامنی ها در کشور کرد. امکان سقوط یکی از مناطق کشور و افتادن به دست طالبان در شرایطی که افغانستان برای دفاع از خود مجهز و آماده است، کاملا غیر منطقی به نظر می رسد.

اصلی ترین سوال این است که چرا افغانستان به چنین روزی مبتلا شده است. اعتراض های نمایندگان در پارلمان، پرسش و پاسخ ها همه به دنبال این سوال است که چرا وضعیت امنیتی به چنین روزی افتاده است.

پاسخ این سوال از سوی دولتمردان به عنوان توجیه کارکردهای شان معمولا داده می شود. دولتمردان نمی خواهند قبول کنند، که اشتباهات و ناکامی های آنان بود که اوضاع امنیتی را به چنین وضعی رسانیده است.

هر روزه خبرهای گشت و کشتار و انفجار و قتل و دهشت از سوی طالبان در ولایات مختلف موضوع گفتگوهای مردم است. مردم با اعتماد به نیروهای امنیتی محبت می کنند. نیروهای امنیتی اما باید بر اساس برنامه ریزی های دقیق و اصولی در میدان جنگ علیه دشمن قرار داشته باشند.

در غیر این صورت تلفات زیادتری می شود و شکست ها رویه افزایش می رود و در کل اوضاع رو به سوی وخاست می گذارد. باید کسانی که در راس ادارات برنامه ریز برای امنیت کشور قرار گرفته اند، به این مسئله توجه داشته باشند که نباید ظرفیت ها و توانمندی های نیروهای امنیتی افغانستان صرف جنگ با طالبان شود و آن هم در نبود برنامه درست، منظم و عملی. افغانستان توانمندی های زیادی دارد، خصوصا در مورد امنیت، نباید قدرت مخالفین را به اندازه ای حساب کرد که بالاتر از توانمندی نیروهای امنیتی کشور باشد.

حدوده دو هفته می شود که بحث اخراج اجباری برخی از تاجران افغانی از کشورهای امارات متحده عربی در رسانه های همگانی، شبکه های اجتماعی، لایه های اجتماعی و طبیعتا محافل سیاسی دست به دست می شود.

اصل ماجرا این است که دولت امارات متحده عربی حدود ۶۰۰ تاجر و سرمایه گذار افغانی را مکلف به خروج کرده و به آنان مهلت تعیین کرده که تا فلان تاریخ آن کشور را ترک کنند.

بر مبنای آمارهای که گرفته شده، سرمایه های این ۶۰۰ نفر تاجر و سرمایه گذار، به ارزش میلیون های دلار آمریکایی است. بدون تردید برخی از ساختمان های را که آنان خریداری کرده و غیر منقول هستند، چگونه در مدت زمانی محدود به فروش رسانند و در زمینه های دارایی های منقول که سرمایه گذاری کرده اند در این مدت زمانی چگونه می توانند سرمایه های شان را جمع آوری و بیرون کنند.

به نظر می رسد که نفس اخراج ۶۰۰ نفر به یک بارگی، پرسش بر انگیز می نماید و هزاره و شیعه بودن - گروه قومی مشخص - همگی آنان، پرسش بر انگیزتر می نماید. این بحث سیاسی می نماید. آن گونه که فعالین مدنی بر آن انگشت می نهند و وزارت امور خارجه هم به گونه ای تردید دارد. فرضیه برخی این است که اخراج ۶۰۰ نفر تاجر آنهم از یک قوم مشخص، متاثر از تحولات سیاسی و نظامی مرتبط به یمن است. یعنی رقابت های سیاسی ایران و کشورهای عرب خاورمیانه در این وادی نقش نداشته باشد.

این نوشته به این زاویه و جنبه بحث نمی پردازد. تمرکز این نوشته بر اقدام و عملکرد دولت افغانستان است. علل رفتار این چنینی دولت امارات، هر بحث که باشد، دولت افغانستان، وزارت خارجه و بخش کنسولگری و حتی ریاست جمهوری چه

نوع عملکرد و رفتار داشته اند؟ آیا رفتار دولت قناعت بخش است؟

۱- اقدام با تاخیر دولت عملکرده است. دو هفته از هشدار دولت امارات به تاجران و سرمایه گذاران کشور می گذرد، اما وزارت خارجه و به صورت عمومی دستگاه دولت کند عمل کرده و نوع خاموشی و بی تفاوتی دیده می شود. اخراج یک بارگی ۶۰۰ نفر تاجر و سرمایه گذار آنهم بدون دلیل موجه و منطقی، بحث خرد نیست. تاجران و سرمایه گذاران، هیچ عمل غیرقانونی را در امارات انجام نداده اند که مشکل جنبه حقوقی داشته باشد. مالیات های شان را پرداخت کرده اند و هیچ گونه رفتار خلاف قانون از آنان دیده نشده است.

گیریم که تاجران و سرمایه گذاران افغانی، جرم را مرتکب شده باشند. باید دولت در اسرع وقت و به زودترین فرصت ممکن به دولت امارات هشدار می داد، خواستار توضیح کافی و قناعت بخش می شد و در صورت بیان نکردن دلیل و واضح نکردن آن به اقدام های جدی دست می زد.

مهمترین اقدام جدی دولت افغانستان که نوع مقابله به مثل هم تلقی می شد، شرکت های سرمایه گذار عربی را هشدار به اخراج می داد.

من نمی دانم که به چه پیمانه شرکت های عربی در این سرزمین سرمایه گذاری کرده اند، شکر خدا آمار دقیق در این دولت وجود ندارد. اما درشت ترین شرکت که می شود از آن به عنوان شرکت سرمایه گذار عربی نام برد، شرکت مخابراتی اتصالات است. تازه این شرکت در عمده موارد به ویژه در این مورد مشخص متمم به تفرقه افگنی و حرکت در برابر وحدت ملی شهروندان افغانستان است.

بنابراین، در دنیای امروز و در وادی مناسبات بین المللی، دولت های که اقدام به حرکت های آبی و غیر منطقی کنند، دولت

مشکل تاجران؛

آیا دولت به صورت جدی گام برداشته است؟

عبدالرحمن فهیمی



در سرزمین دیگری وجود داشته باشد، نباید ما اولی را جاسوس و پاپوس دومی تلقی کنیم. اگر این گونه داوری کنیم، پس شهروندان همه کشورهای جاسوس و پاپوس می شوند. از این رهگذر شهروندان و مجموعه های قومی کشور که با دیگر دولت ها و کشورها از نظر مذهبی هم عقیده هستند، نیز جاسوس و پاپوس تلقی می گردند.

به نظر می آید که این پیش فرض و این تصور قالبی و کلیشه ای دولت امارات توهین به ملت و دولت افغانستان است. من نمی دانم چرا رسانه های همگانی این جنبه را برجسته نکرده اند و به گوش دولت بی تفاوت و در خواب خرگوشی ترسانده اند. به هر حال، تا کنون اقدامات دولت در زمینه دستور اخراج تاجران و سرمایه گذاران کشور از امارات متحده، قناعت بخش نیست. باید بحث را فراتر از احضار کردار و سفير یا خواستار توضیح، دنبال کرد.

کشور، حس یاس و نا امیدي را در اذهان مردم و شهروندان تزییق خواهد کرد. ۲. قرن بیست و یکم، تصورات کلیشه ای و قالبی را بر نمی تابد تصورات قالبی و کلیشه ای به پیش فرض های گفته می شود که شخص یا گروه در مورد شخص و گروه دیگر دارد. تصورات و پیش فرض های که در قبال دیگران دارند، واقعیت نیست و بر مبنای آن داوری و رفتار می کنند.

جامعه افغانستان جامعه چند قومی است. سوال هاست که گروه های قومی مختلف در این سرزمین می زنند. بدون تردید هر گروه قومی عقاید و باورهای مذهبی - دینی خودشان را دارند. زیرا یکی از ملاک ها و معیارهای تمایز و تفکیک گروه های انسانی که آن ها را به گروه های قومی مشخص می کند، عقاید و باورهاست.

در این صورت اگر گروه قومی و یا دولت هم مذهب و هم عقیده از نظر مذهبی

های طرف نیز عجالتا دست به اقدام های جدی از جمله عمل مقابله به مثل می زند. اما با تاسف که دولت افغانستان در ابتدا با سکوت و کندی عمل حرکت کرد.

کاردار سفارت امارات متحده عربی را احضار و خواستار توضیح شد. پارلمان اندک جدی تر عمل کرد، اما خواست های جدی تر نداشت و اما ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه که شاهرک های اجرایی نظام سیاسی بوده و تصامیم قوری را اتخاذ می کنند، در این مورد بحث را مطرح کرده اند.

بایستی رییس جمهور شخصا از امیر دبی و رییس شورای امرای امارات متحده عربی، خواستار توضیح می شد و هشدار می داد که در صورت گشتگ و میهم دیده شدن بحث، دولت افغانستان نیز به اقدام های جدی و مهم متوسل خواهد شد.

این بی تفاوتی رییس جمهور و رییس اجرایی و به صورت مجسوع ضلع های قدرت در قدرت تصمیم سازی و اجرایی

اهمیت خانواده و آسیب های آن

قسمت دوم ووبایانی

تنباید همه ی امور را تحت الشعاع قرار دهد. گاه فرهنگ زن یا مرد به لحاظ عدم تناسب یا تضاد، سلامت خانواده را تهدید می کند. برای مثال ناهماهنگی فرهنگی و طبقاتی زن و شوهر (مانند فرهنگ شهری در مقابل فرهنگ روستایی) گاهی باعث تهدید بنیاد خانواده می شود. متأسفانه بعضی افراد به تعهدات اخلاقی و ارزش های حاکم مقید نیستند و این مسئله موجب می شود زن و شوهر در ظاهر زیر یک سقف با یکدیگر زندگی

، با زن یا مرد دیگری ارتباط نزدیک برقرار می کنند و رابطه خود با همسر قبلی را سست می نماید. در این شرایط عواملی از قبیل زیبایی و یا ثروت طرف مقابل موجب گرایش به روابطی خارج از چهارچوب خانواده یا برقراری روابط پنهانی می شود. این وضعیت موجب می شود روابط زن و شوهر مخدوش گردد، بنیاد خانواده سست شود و سرنواشت فرزندان به خطر افتد. ۱۰- سوء تفاهم ها و سوء ارتباطات مهمترین عامل آسیب پذیری خانواده، بروز سوء تفاهم ها و سوء ارتباطات است. بنابراین هر یک از زن و شوهر به سهم

داشت؟ گاهی اوقات پنهان کردن حقایق (مخفی کاری) و فریب دادن (فریب کاری) موجب می شود ارکان خانواده متزلزل شود و روابط زن و شوهر آسیب ببیند. ۵- ابهام و افراط در انتظارات به طور معمول مشخص کردن انتظارات در روابط، باعث می شود شدن وظایف و حدود روابط افراد می شود. در خانواده هایی که انتظاراتی متقابل زن و شوهر مشخص نشده است، روابط آسیب پذیر است و زوجین دقیقا نمی دانند نسبت به یکدیگر چه و نظایفی به عهده دارند. برای مثال وقتی وارد خانه می شوید، انتظار دارید با شما چگونه برخورد شود؟ در هر صورت تفاوت و تعارض در انتظارات موجب می شود فضایی نامساعد و کینه توزانه به وجود آید. گاهی اوقات داشتن توقعات بیش از حد از همسر، مثل این که انتظار داشته باشیم او همچون فرشته باشد، یا معلومات بسیاری داشته باشد، یا در نظم و ترتیب سر آمد دیگران به حساب آید، سلامت خانواده را در معرض تهدید قرار می دهد.

مهمترین عوامل تهدید کننده پایداری خانواده ۶- دخالت دیگران اکثر پژوهش های انجام شده درباره طلاق، این حقیقت را منعکس کرده اند که دخالت دیگران مانند اقوام و آشنایان، والدین زن یا شوهر موجب شعله ور شدن اختلافات زن و شوهر می گردد و در نهایت به طلاق و جدایی منجر می شود. زن یا شوهر به ویژه در اوایل زندگی مشتتک توسط دیگران به طور ناشیانه راهنمایی و یا در برخی موارد تحریک می شوند. ۷- مسائل اقتصادی و مالی زندگی زناشویی بر پایه اشتراک بنا شده است. از این رو به کار بردن عبارت هایی از قبیل «مال من»، «جهیزیه من»، «مال تو» و نظایر آن پایه اشتراک را متزلزل و به تفرقه و جدایی تبدیل می کند. زن و شوهر جوان، آگاه، و بصیر روی این عبارت ها خط بطلان می کشند و آنها را به «مال ما»، «مسئله ما» و «مشکل ما» تبدیل می کنند. پیوند هایی که بر پایه انگیزه های مادی و ثروت زن یا شوهر پی ریزی شده، پس از مدتی از هم می گسلد و بنیاد خانواده را متلاشی می کند. قدیمی ها جمله زیبایی را می گفتند که: «آدم نان خالی بخورد، اما دلش خوش باشد.» این جمله بیانگر آن است که نیازهای مادی انسان در حد متوسط تأمین شود، اما نیازهای روانی باید در حد بالا مورد توجه قرار گیرد.

انسان ها نیازهای مادی دارند که باید در حد متعادل ارضاء شود، اما مسائل مادی

کارتون روز



به احترام آنهایی که خون شان را خدای می کنند!



هرگاه روش شوهر یا زن در زندگی مشترک، سلطه جویی و سلطه گری باشد و هر کدام بخواهند نظرات خود را به اعضای خانواده تحمیل کنند، فضای خانواده به یک فضای استبدادی و نامطلوب تبدیل می شود. در چنین فضایی شوهر یا زن مرتب به دیگران دستور می دهند، امر و نهی می کنند و هنگام بروز یک رفتار نامطلوب، اعضای خانواده را تهدید می کنند و یا اجازه صحبت به دیگران نمی دهند. در هر صورت « مرد سالاری» یا « زن سالاری» بنیان خانواده را متزلزل می کند و موجب بروز سبزه های خانوادگی می شود. منبع تبیان

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسؤول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حقیقت الله زکی

کارکاتوریست: خالق علی زاده

دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan

روزنامه

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Voice